

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

گرچه پیامبر بزرگوار ما، از همان روزهای نخستین رسالت خود، به فکر تعیین جانشین برای خود بودند و در فرصت‌های گوناگونی نیز به معرفی جانشین شایسته خود اقدام فرمودند، اما هیچ‌یک از اقدامات پیامبر ﷺ در این زمینه، به اهمّیت واقعه غدیر و اقدام شجاعانه حضرت در آن روز بزرگ نیست. واقعه غدیر، از جهات گوناگونی در خور توجه است. تعداد حاضران در آن واقعه، صراحت لهجه پیامبر، موقعیت مکانی و زمانی خطبه غدیر، تأکیدات نهفته در جملات حضرت، واکنش اصحاب به اعلام جانشینی علی ﷺ و بیعت فراگیر مسلمانان با امیر مؤمنان ﷺ، برخی از ویژگی‌های واقعه غدیر است که آن را از دیگر اقدامات پیامبر در تعیین جانشین، ممتاز می‌سازد. از این رو، بررسی واقعه غدیر به مطالعه و بررسی و کنکاش بیش‌تری نیازمند است. بر دلدادگان ولایت است که با غواصی در اقیانوس غدیر خم، با گهرهای نهفته در آن بیش‌تر آشنا شوند و برای دفاع از این سند ماندگار حقانیت شیعه، آمادگی‌های بالاتری را به دست آورند. امید آن که کتاب حاضر بتواند آنان را در رسیدن به این هدف ارزشمند یاری دهد.

درباره کتاب

سال‌ها بود که تصمیم داشتم کتاب جامعی درباره «واقعه غدیر خم» بنویسم که به همه ابعاد این موضوع اعتقادی - تاریخی بپردازد. فرصت چنین کاری فراهم نمی‌آمد تا این که در آستانه غدیر سال ۱۳۸۹ خدای بزرگ این توفیق را عنایت فرمود و اثر حاضر، تألیف شد. این اثر همزمان پنج موضوع را

برای ارادتمندان امیر مؤمنان علیه السلام - به ویژه جوانان عزیز و با ایمان - توضیح می دهد. در کتاب «با غدیر و الغدير» خوانندگان، با زندگینامه علامه امینی آشنا می شوند، روایت کوتاهی از واقعه غدیر را می خوانند، به قوت سند حدیث غدیر پی می برند، فرصتی برای تأمل در معنای حدیث غدیر می یابند و در پایان نیز گزارشی از کتاب الغدير را می شنوند و توضیحاتی را درباره جایگاه بلند این اثر ماندگار از نظر می گذرانند.

علیرغم تنوع مباحث اثر حاضر، از آنجا که همه مطالب در قالب گفت و گو با علامه امینی ارائه شده، خوانندگان با متنی یکدست، یکپارچه، متوازن و منطقی روبه رو خواهند شد.

امکان عرضه کتاب با حجمی بیشتر و توضیحاتی مفصل تر نیز وجود داشت؛ اما هدف نویسنده جز با تألیف اثری مختصر و مفید حاصل نمی شد.

گرچه قالب گفت و گو، زائیده تخیل نویسنده است و در عالم واقع، هرگز چنین مصاحبه ای انجام نشده است؛ با این حال، تمام مطالب آن، مستند و براساس اسناد و مدارک معتبر است که بیشتر مواقع نیز به این اسناد و مدارک در پاورقی ها اشاره شده است.

لله الحمد أولاً و آخراً

عید سعید غدیر خم

قم - ۱۳۸۹

غلامرضا حیدری ابهری

((۱))

معرّفی علامه امینی

خبرنگار: بسم الله الرحمن الرحيم. خدا را شاکریم که فرصتی فراهم آمده تا در خدمت استاد گرانقدر و علامه عالی مقام جناب آقای شیخ عبدالحسین امینی باشیم و درباره واقعه غدیر خم و کتاب شریف الغدير، با ایشان به گفت‌وگو بپردازیم. از جناب علامه سپاسگزارم که ما را به حضور پذیرفتند تا بتوانیم از حاصل یک عمر تلاش علمی ایشان در خدمت به آرمان غدیر بهره ببریم. جناب علامه! در آغاز خواهش می‌کنم کمی درباره خودتان برای ما بگویید و بفرمایید اهل کدام یک از شهرهای ایران هستید و تحصیلات دینی خود را در کجا انجام داده‌اید؟

علامه امینی: بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و اله الطاهرين. یکی از عنایات خدا به همه ما، ولایت و محبت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است. نعمت ولایت آن بزرگوار نعمت بسیار بزرگی است که به خاطر آن، هر قدر خدا را شکر کنیم، باز هم کم است. من از شما تشکر می‌کنم که این گفت‌وگو را ترتیب دادید تا درباره ماجرای غدیر خم - که یکی از محوری‌ترین بحث‌ها درباره امامت و ولایت علی (علیه السلام) است - به گفت‌وگو بپردازیم و اطلاعات دقیقی را در اختیار علاقه‌مندان امیر مؤمنان (علیه السلام) بگذاریم. امیدوارم که مطالعه این مصاحبه برای همه خوانندگان مفید و سودمند باشد. گرچه می‌دانم که بیشتر خوانندگان این مصاحبه، با واقعه غدیر خم به خوبی آشنا هستند، اما بر آن‌ها هم بشارت می‌دهم که در این مصاحبه، نکات تازه‌ای در این باره خواهند شنید.

من تمایلی نداشتیم که در این مصاحبه از خودم چیزی بگویم؛ اما چون سؤال کردید، به طور خلاصه مطالبی را به عرضتان می‌رسانم. بنده در سال ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با ۱۲۸۱ هجری شمسی در شهر تبریز به دنیا آمدم. پدر و مادرم که عشق فراوانی به حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) داشتند، نام «عبدالحسین» را برای من انتخاب کردند. تحصیلاتم را از همان شهر تبریز آغاز کردم. مرحوم پدرم میرزا احمد - که از علمای بزرگ شهر بود - جزو اولین اساتید من در علوم و معارف اسلامی بود. بنده مقدمات علوم

اسلامی را از آن مرحوم آموختم و سپس برای ادامه تحصیل، به مدرسه طالبیه تبریز رفتم. مدرسه طالبیه، مدرسه‌ای بسیار مهم در تبریز بود که در آموزش علوم دینی، جایگاه والایی داشت و از اساتید بسیار بزرگی بهره می‌برد. پس از چندین سال تحصیل در تبریز و با پایان دوره سطح حوزه، برای ادامه تحصیل به نجف رفتم و در جوار امیر مؤمنان (علیه السلام) ساکن شدم. در آنجا به طور جدی به فراگیری علوم اسلامی پرداختم و از اساتید نجف، بهره فراوانی بردم، سپس به تبریز برگشتم و به تبلیغ معارف دینی و تشکیل جلسات مذهبی پرداختم؛ اما عشق به امیر مؤمنان (علیه السلام) و شوق آشنایی عمیق‌تر با علوم اسلامی، بار دیگر مرا به شهر نجف کشاند.

در سفر دوم به نجف، به درجه اجتهاد رسیدم و از برخی اساتید مشهور نجف، اجازه اجتهاد گرفتم. به لطف خدا، تا امروز نیز در نجف و زیر سایه پر مهر امیر مؤمنان (علیه السلام) اقامت دارم و به تحقیق و تألیف در زمینه ولایت آن بزرگوار مشغول هستم.

خبرنگار: جناب استاد! آیا پدر شما هم اصالتاً تبریزی بود؟

علامه امینی: پدرم اهل روستای «سَردها» از روستاهای اطراف تبریز بود که در سال ۱۲۸۷ ه.ق در آن روستا به دنیا آمده بود. او برای ادامه تحصیل، در سال ۱۳۰۴ ه.ق به شهر تبریز رفته بود و در همان شهر نیز اقامت گزیده بود.

خبرنگار: شما دقیقاً چه درس‌هایی را از محضر ایشان استفاده کردید؟

علامه امینی: من ادبیات فارسی، ادبیات عربی، منطق و مقداری از فقه و اصول را از پدرم آموختم.^۱ البته من در دیگر زمینه‌ها نیز از پدرم نکته‌ها فراگرفتم و با راهنمایی ایشان بود که با خیلی از معارف اسلامی و خیلی از کتاب‌های مرجع آشنا شدم.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۲۷.

خبرنگار: آیا پدر بزرگ شما هم روحانی بود؟

علامه امینی: نه، ولی مرد اهل مطالعه و پرهیزکاری بود و علاقه بسیاری به جمع آوری کتاب‌های مرتبط با زندگی اهل بیت علیهم‌السلام داشت. آن مرحوم «نجف‌قلی» نام داشت که به خاطر دیانتش به «امین‌الشرع» شهرت یافته بود. اطلاعات بسیاری در زمینه ادبیات ترکی و فارسی داشت و به هر دو زبان شعر می‌سرود. نام فامیلی ما، از همان مرحوم «امین‌الشرع» به یادگار مانده است.^۱

(۲)

نگاهی به واقعه خدیو

خبرنگار: بفرمایید اصلاً چه شد که شهر نجف را برای ادامه تحصیل انتخاب کردید و در چه سنی عازم نجف شدید؟

علامه امینی: حوزه علمیه نجف، قدیمی‌ترین حوزه علمیه شیعه است که سابقه‌ای هزارساله دارد. بسیاری از بزرگان شیعه، در این حوزه تربیت شده‌اند. تحصیل در حوزه نجف، برای هر طلبه‌ای یک آرزوی بزرگ بود. من هم مثل همه طلاب جوان، دوست داشتم برای ادامه تحصیل به نجف بروم و علاوه بر حضور در درس اساتید بنام آنجا، از برکات زیارت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام و حضرت سیدالشهدا و دیگر امامانی که بارگاهشان در عراق است، بهره ببرم؛ البته با توجه به این که در آن زمان، رضاخان بر سر کار آمده بود و اوضاع ایران، خیلی نابسامان بود، تحصیل در نجف برایم بهتر بود.

به هر حال من در سال ۱۳۴۲ یعنی در ۲۲ سالگی راهی نجف شدم و زیر سایه پر خیر و برکت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به ادامه تحصیل پرداختم.^۲

خبرنگار: حالا اگر موافق باشید، گفت‌وگو دربارهٔ واقعهٔ غدیر را آغاز کنیم. با توجه به اینکه شما عمر خود را در راه دفاع از ولایت امیر مؤمنان (علیه السلام) و خدمت به آرمان غدیر سپری کرده‌اید، یقین داریم که ترجیح می‌دهید بیشتر در این باره به بحث بپردازیم. من از شما تقاضا دارم که اول خود واژهٔ «غدیر خم» را برای خوانندگان ما معنا کنید تا برسیم به سؤال‌های بعدی.

علامه امینی: کلمهٔ غدیر در زبان عربی به معنی برکه و آبگیر است. خُم نیز نام منطقه‌ای بین مکه و مدینه است؛ در نتیجه ترکیب «غدیر خم» یعنی برکه‌ای که در منطقهٔ خم قرار دارد. «غدیر خم» در پنج-شش کیلومتری منطقهٔ جحفه واقع شده است.^۱

خبرنگار: لطفاً به‌طور خلاصه، گزارشی از ماجرای غدیر خم بیان بفرمایید تا بعد، دربارهٔ جنبه‌های گوناگون این واقعهٔ بزرگ، گفت‌وگو را ادامه دهیم.

علامه امینی: در سال دهم هجری، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای انجام مراسم حج عازم مکه شدند و به همراه هزاران نفر از مسلمانان، حج خود را به جای آوردند. از آنجا که آن حج، آخرین حج پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، از آن به‌عنوان حجة الوداع (حج خدا حافظی) یاد می‌کنند. پس از مراسم حج، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از مکه خارج شدند و به سوی مدینه حرکت کردند. وقتی حضرت به منطقهٔ غدیر خم - در نزدیکی سه راهی جحفه - رسیدند، همان‌جا توقف کردند. در سه راهی جحفه، راه اهل مدینه و اهل مصر و اهل عراق از هم جدا می‌شد.^۲ پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن روز مردم را در غدیر خم گرد هم آوردند و طی مراسم با شکوهی، علی (علیه السلام) را به جانشینی خود برگزیدند.

خبرنگار: این ماجرا دقیقاً در چه روزی اتفاق افتاد؟

علامه امینی: این مراسم با شکوه در پنج شنبه هجدهم ذی حجه برگزار شد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از توقف، به کسانی که جلوتر بودند، فرمان دادند که

۱. موسوعة امام علی (علیه السلام)، ج ۱، ص ۶۲۱. ۲. همان، ص ۳۳۷.

برگردند. قدری هم صبر کردند تا آن‌ها که عقب‌تر بودند، به جمع بقیهٔ مسلمانان پیوندند. آن روز هوا خیلی گرم بوده است. تاریخ‌نویسان نکات جالبی دربارهٔ گرمای آن روز نوشته‌اند. هوا به قدری گرم بوده که مردم، قسمتی از لباس خود را بر سر کشیده و قسمتی را هم زیر پانهاده بودند تا از تابش خورشید و گرمای زمین در امان بمانند.^۱ برخی نیز پارچهٔ نمناکی روی سر خود می‌اندازند تا گرما آزارشان ندهد.^۲ سایهٔ شترها، بهترین پناهگاه برای کسانی بوده که نور خورشید آزارشان می‌داده است. از برخی حاضران در مراسم غدیر نقل شده است که در توصیف گرمای آن روز گفته‌اند: «اگر در آن گرما گوشتی را روی زمین می‌انداختیم، بی‌درنگ می‌پخت.»^۳

وقتی همه در غدیر خم جمع شدند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) برفراز منبری - که یاران حضرت آماده کرده بودند - رفتند و سپس با دست راست خود، دست چپ علی را گرفتند و بالا بردند و فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ؛ هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست.»

خبرنگار: جناب علامه! در واقعهٔ غدیر، چند نفر حضور داشته‌اند؟

علامه امینی: البته عدد دقیق حاضران را نمی‌توان تعیین کرد؛ اما در عین حال جای هیچ تردید نیست که جمعیت بسیاری در آن مراسم بزرگ حضور داشته‌اند. تاریخ‌نویسان، اعداد و ارقام گوناگونی را دربارهٔ تعداد حاضران در مراسم غدیر مطرح کرده‌اند. کتاب «تذکره الخواص» تعداد حاضران در مراسم غدیر را یکصد و بیست هزار نفر ذکر می‌کند؛ اما کمتر و بیشتر از این عدد نیز گفته شده است.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۸۴. ۲. الغدير، ج ۲، ص ۳۶.

۳. همان، ص ۱۳۱.

۴. موسوعة امام علی (علیه السلام)، پاورقی ص ۳۴۹ و ج ۱، ص ۵۱۲؛ ترجمه الغدير، ج ۱، ص ۷۴.

رسول خدا ﷺ پیش از سفر حج، نمایندگان را به اطراف مدینه فرستادند و همه مسلمانان را به حضور در مراسم حج فراخواندند. برای کسانی که در مناطق دوردست زندگی می کردند نیز نامه دادند و آن ها را هم به حج خانه خدا دعوت کردند.^۱ رسول خدا ﷺ آن سال، همه همسران خود را نیز به حج بردند. اهل مدینه نیز به خاطر تأکید فراوان پیامبر ﷺ، حضور چشمگیری در حج آن سال داشتند. همه این ها باعث شد که مراسم غدیر - که هنگام بازگشت از حج برگزار شد - از شکوه خاصی برخوردار شود و افراد بسیاری در آن حاضر باشند.

البته وقتی پیامبر ﷺ عازم حج بود، بیماری آبله یا حصبه هم شیوع داشت و به همین خاطر، برخی نتوانستند همراه پیامبر ﷺ به حج بروند؛ اما از طرف دیگر، علی علیه السلام و گروه دیگری از مسلمانان - که برای انجام مأموریت در یمن بودند - پیش از مراسم حج، خود را به مکه رساندند و به جمع مسلمانان پیوستند و در مراسم غدیر نیز حضور یافتند.^۲ در هر حال گرچه هیچ یک از اعدادی را که برای حاضران در مراسم غدیر ذکر کرده اند، نمی توانیم به عنوان یک رقم دقیق بپذیریم، ولی نباید شک کرد که مراسم غدیر، یک مراسم بی نظیر بوده که هزاران نفر از مسلمانان در آن حضور یافتند.

خبرنگار: با توجه به فراوانی جمعیت، صدای پیامبر ﷺ چطور به گوش همه می رسید است؟

علامه امینی: رسول خدا ﷺ، ربیعة بن امیه را مأمور کرده بودند که میان جمعیت بایستد و سخنان پیامبر ﷺ را برای کسانی که با منبر پیامبر ﷺ فاصله داشتند، تکرار کند.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۹۶.

۲. موسوعة امام علی علیه السلام، ص ۵۱۲؛ ترجمه الغدیر، ج ۱، ص ۷۴.

۳. حماسه غدیر، ص ۱۵۶.

خبرنگار: آیا سخنرانی پیامبر ﷺ در غدیر خم، خیلی طول کشید؟

علامه امینی: بله، این سخنرانی، یکی از طولانی ترین سخنرانی های رسول خدا ﷺ بود. مسئله رهبری، اهمیت بسیاری داشت و پیامبر ﷺ باید این موضوع را به طور کامل برای مردم روشن می کردند و جای هیچ گونه ابهامی باقی نمی گذاشتند.

خبرنگار: آیا امکانش هست که خوانندگان این مصاحبه، ترجمه آن سخنرانی پیامبر ﷺ را از زبان شما بشنوند؟

علامه امینی: خواندن کل آن سخنرانی شاید از حوصله این مصاحبه خارج باشد؛ ولی اگر اجازه بدهید، بخش هایی از این سخنرانی را با هم مرور کنیم.

خبرنگار: سپاسگزار می شوم.

علامه امینی: رسول خدا ﷺ سخن خود را با یاد خدا آغاز کردند و فرمودند: «گواهی می دهم که همه چیز در برابر عظمت خدا فروتنی کرده و همه چیز در برابر عزتش خوار شده و همه چیز تسلیم قدرت او گشته و همه چیز در مقابل بزرگی او خاشع شده است. من به خدا و فرشتگانش و به کتاب ها و پیامبرانش ایمان دارم. به فرمان او گوش می سپارم و از دستور او اطاعت می کنم. در انجام آنچه او خوش می دارد شتاب می ورزم و در برابر آنچه مقدر فرموده تسلیم می شوم؛ زیرا اطاعت از او را دوست می دارم و از عذاب او می هراسم.

به بندگی در برابرش اقرار می نمایم و به ربوبیتش گواهی می دهم و به آنچه بر من وحی شده اقدام می کنم؛ مبادا که با ترک آن، عذابی سخت از سوی خدا بر من فرود آید؛ عذابی که دیگر کسی نتواند آن را بازگرداند گرچه چاره ای بزرگ بیندیشد.»

حضرت در ادامه فرمودند:

«هیچ خدایی جز او نیست. او مرا آگاه ساخته که اگر آنچه را بر من نازل فرموده، بیان نکنم، رسالت او را انجام نداده‌ام. و خدای متعال مرا [از شر منافقان] ایمن ساخته که او خدایی کفایت‌کننده و کریم است. او به من وحی کرده است که:

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؛ ای پیامبر ما! آنچه را که از سوی پروردگارت بر تو نازل شده [برای مردم] بیان کن که اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. خدا تو را از [شر] مردم در امان خواهد داشت.﴾^۱

آنگاه حضرت وارد اصل موضوع شدند و ادامه دادند:

«ای مردم! من در بیان آنچه خدا بر من فرو فرستاده کوتاهی نکرده‌ام و [کنون] دلیل [نزول] این آیه را برایتان روشن می‌سازم. [پیش از این] جبرئیل نزد من آمد و از سوی پروردگارم به من فرمان داد که در این مکان بایستم و همه را - چه سیاه و چه سفید - آگاه سازم که علی پسر ابوطالب، برادر و وصی و جانشین من و پیشوای امت پس از من است. همو که برای من مانند هارون برای موسی است؛ با این تفاوت که پیامبری پس از من نخواهد بود.»

رسول خدا ﷺ در ادامه، بار دیگر آیه ۶۷ سوره مائده را قرائت فرمودند و باز هم علی را به عنوان رهبر پس از خود معرفی کردند و مردم را به اطاعت از او فراخواندند و برای آنکه درستی این انتخاب روشن شود، به بیان گوشه‌ای از شایستگی‌ها و فضیلت‌های علی علیه السلام پرداختند. آن‌گاه مردم را از مخالفت با علی علیه السلام بر حذر داشتند و پیامدهای آن را برشمردند و سپس فرمودند:

«بدانید که من وظیفه‌ام را ادا کردم.

بدانید که من [پیام خدا را] ابلاغ نمودم.

بدانید که من [فرمان خدا را] به گوش شما رساندم.

بدانید که من همه چیز را روشن ساختم.

بدانید که آنچه گفتم سخن خدا بود و من از سوی او برایتان سخن گفتم. بدانید که جز برادر من علی، کسی فرمانروای مؤمنان نیست و پس از من، حکومت مؤمنان تنها از آن او است.»^۱

گرچه بخش مهمی از سخنرانی پیامبر ﷺ پایان یافته بود؛ اما رسول خدا ﷺ باز هم لازم می‌دیدند که بر جانشینی علی تأکید کنند؛ از این رو علی علیه السلام را نزد خود فراخواندند و با دست راست، دست چپ علی علیه السلام را گرفتند و کاملاً بالا بردند و سپس از مردم پرسیدند: «ای مردم! چه کسی از خود شما برای سرپرستی شما سزاوارتر است؟» مردم پاسخ دادند: «خدا و رسول او.» این سؤال و جواب سه بار تکرار شد و پیامبر ﷺ نیز سه بار فرمودند:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ؛ هرکس من مولای او هستم، علی مولای او است.»

بعد هم این‌گونه دعا کردند:

«خدایا! هرکس با علی دوستی می‌کند، تو نیز با او دوستی کن و هرکس با علی دشمنی می‌کند، تو نیز با او دشمنی کن.»

پیامبر ﷺ در پایان سخنرانی خود، همه کسانی را که در مراسم حضور داشتند، موظف ساختند که خبر جانشینی علی علیه السلام را به دیگران برسانند و سپس سه بار فریاد زدند: «آیا شنیدید؟» و مردم در هر بار پاسخ دادند: «آری، شنیدیم ای رسول خدا!»^۲

خبرنگار: ما در این سخنرانی می بینیم که پیامبر ﷺ اصرار دارند که بگویند این انتخاب، فرمان خدای بزرگ است. تأکید بر این موضوع به چه دلیلی صورت می پذیرفت؟

علامه امینی: گرچه علی علیه السلام دلاورترین سرباز پیامبر ﷺ و باوفاترین یار آن حضرت و نخستین همراه ایشان در دفاع از اسلام و شایسته ترین فرد برای جانشینی رسول خدا ﷺ بود، اما ضرورت داشت که مردم بدانند این انتخاب، انتخاب خدا بوده نه انتخاب پیامبر ﷺ. از آنجا که علی علیه السلام هم پسر عموی پیامبر ﷺ و هم داماد حضرت بود، شاید عده ای می پنداشتند که برگزیده شدن علی به رهبری آینده، بر اساس روابط فامیلی و پیوندهای خویشاوندی انجام شده است. اگر چنین پنداری میان مسلمانان به وجود می آمد، در نگاه بسیاری از مردم، حکومت اسلامی پیامبر ﷺ، یک حکومت قبیله گرا انگاشته می شد و این خطر بسیار بزرگی بود. پیامبر ﷺ با تأکید بر اینکه انتخاب علی علیه السلام فرمان خدا بوده است، راه بسیاری از کج فهمی ها و سوءظن ها را بستند و اجازه ندادند که این انتخاب الهی، در حدّ یک رفتار قبیله ای تنزل یابد.

خبرنگار: پس پیامبر ﷺ، آیه مربوط به انتخاب علی علیه السلام را نیز احتمالاً به همین دلیل در لابه لای سخنرانی خواندند.

علامه امینی: بله، همین طور است. لحن خود آیه هم خیلی عجیب است. آیه می فرماید: «آنچه را که از سوی ما بر تو نازل شده، ابلاغ کن»؛ یعنی آیه هم تأکید می کند که این موضوع، فرمانی است که از طرف خدا آمده و در این ماجرا، پیامبر ﷺ تنها نقش پیام رسانی دارد؛ البته تمام احکام اسلامی از سوی خدا آمده است؛ اما تأکیدی که در این آیه وجود دارد، حساسیت موضوع را کاملاً برای ما روشن می کند و فضای آن روز مراسم را بهتر به ما نشان می دهد.

خبرنگار: نکته دیگری که در این سخنرانی خیلی پررنگ است، تأکید پیامبر ﷺ بر این نکته است که بگوید من وظیفه ام را به خوبی انجام دادم. ایشان در سخنرانی خود فرمودند: «بدانید که من پیام خدا را ابلاغ کردم. بدانید که من فرمان پروردگار را به گوش شما رساندم.» ایشان همچنین عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاً» را سه بار تکرار کردند و پس از اعلام جانشینی علی علیه السلام نیز سه بار از جمعیت پرسیدند: «آیا شنیدید؟» ضرورت این تأکیدات را چه می دانید؟

علامه امینی: خدا در آیه ۶۷ سوره مائده به پیامبر ﷺ فرموده بود: «اگر تو این کار را انجام ندهی، رسالت خود را انجام نداده ای»؛ یعنی اگر پیامبر ﷺ این مأموریت را انجام نمی دادند، گویا به هیچ یک از وظایف خود عمل نکرده بودند؛ به همین خاطر، پیامبر ﷺ بار سنگینی را بر دوش خود حس می کردند و باید موضوع را به گونه ای برای مردم توضیح می دادند که راه هرگونه بهانه جویی بسته شود. بعداً کسی نگوید که من صدای پیامبر ﷺ را نشنیدم یا فلان جمله پیامبر ﷺ را خوب نفهمیدم. توضیح ها و تکرارهای پیامبر ﷺ، کاملاً بجا و لازم بود.

خبرنگار: حضرت علامه! یکی از جملات پیامبر ﷺ در این سخنرانی، این عبارت بود که «اللَّهُمَّ وَالْ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ؛ خدایا! هرکس با علی دوستی می کند، تو نیز با او دوستی کن و هرکس با علی دشمنی می کند، تو نیز با او دشمنی کن.» به نظر شما چرا برخی نویسندگان اهل سنت - با آنکه حتی اصل حدیث غدیر را قبول دارند - نمی پذیرند که این سخن از پیامبر ﷺ باشد؟

علامه امینی: من در همان جلد اول الغدير، ثابت کرده ام که این جمله را نیز رسول خدا ﷺ فرموده اند؛ اما اگر می بینید که عده ای نمی خواهند بپذیرند که پیامبر ﷺ چنین سخنی گفته باشند، برای آن است که می خواهند از دشمنان علی علیه السلام دفاع کنند. اگر این ها بپذیرند که پیامبر ﷺ چنین سخنی فرموده اند، دیگر جایی برای دفاع از امثال معاویه و طلحه و زبیر و عایشه باقی

نمی ماند. این افراد، به جنگ با علی علیه السلام پرداختند و به روی او شمشیر کشیدند و با او دشمنی کردند. بر اساس آن دعای پیامبر صلی الله علیه و آله، باید قبول کنیم که آن‌ها به خاطر دشمنی با علی علیه السلام، با خدا دشمنی کرده اند و به خاطر جنگ با علی علیه السلام، به جنگ خدا رفته اند. دلیل انکار این حدیث نیز همین است.

خبرنگار: گویا بعدها، در محل سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم، مسجدی هم بنا می شود.

علامه امینی: گرچه الان اثری از آن مسجد باقی نمانده است، ولی اسناد تاریخی از آن حکایت دارد که این مسجد، حتی تا حدود سال ۷۸۶ ه. ق نیز به شکلی وجود داشته است.^۱ البته در زمان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام این مسجد کاملاً برپا بوده و رفت و آمد در آن رونق داشته است؛ زیرا می بینیم که آن دو بزرگوار مردم را به حضور در آن مسجد سفارش می کرده اند و نماز خواندن در آن را به عنوان یک کار مستحب، ترویج می نموده اند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «نماز در مسجد غدیر مستحب است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا علی علیه السلام را به ولایت برگزید و آن مسجد جایی است که خدا حق را در آن آشکار ساخت.» حضرت کاظم علیه السلام نیز به عبدالرحمان بن حجاج فرمود: «در مسجد غدیر نماز بخوان که فضیلت بسیاری دارد و پدرم نیز به من دستور می داد که این کار را انجام دهم.»^۲

خبرنگار: پس از پایان سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله، مراسم غدیر چگونه ادامه یافت؟
علامه امینی: رسول خدا صلی الله علیه و آله، پس از سخنرانی فرمان دادند که مردم بیایند و با علی بیعت کنند. مسلمانان نیز به سوی علی علیه السلام هجوم بردند و با او بیعت کردند. آنان در پاسخ به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله می گفتند: «آری، آری! شنیدیم و اطاعت کردیم و با جان و دل ایمان آوردیم.»

۱. موسوعه امام علی علیه السلام، ج ۱، ص ۶۲۷. ۲. همان، ص ۶۳۲.

خبرنگار: ایا ابوبکر و عمر نیز آن روز با علی علیه السلام بیعت کردند؟
علامه امینی: آن دو جزو پیشگامان صحابه در بیعت با علی علیه السلام بودند.^۱ حتی جالب است بدانید که وقتی عمر برای بیعت با علی آمد، صمیمانه دستی بر شانه امام علیه السلام زد و گفت: «مبارک باد، مبارک باد بر تو ای پسر ابوطالب! تو مولای من و مولای همه مردان و زنان مؤمن شدی.»^۲

خبرنگار: زن‌ها چطور؟ آیا آن‌ها هم با علی بیعت کردند؟

علامه امینی: آری! پس از بیعت مردان، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان دادند که همسران ایشان و دیگر زنان نیز نزد علی بروند و با سلام بر او، به جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله اعلام وفاداری کنند.^۳

خبرنگار: در مجموع آیا کسی ماند که با علی بیعت نکرده باشد؟

علامه امینی: نه! حتی جوان ترها نیز از جمع بیعت کنندگان با امیر مؤمنان علیه السلام عقب نماندند و آنان هم با علی علیه السلام بیعت کردند.

خبرنگار: جناب امینی! آخرین سؤال من در این بخش، درباره محل برگزاری مراسم است. به نظر شما چرا منطقه «غدیر خم» برای برگزاری آن مراسم انتخاب شد؟ آیا بهتر نبود این مراسم پس از بازگشت مسلمانان به مدینه، در همان جا برگزار می شد یا لااقل در میانه مراسم حج در شهر مکه این مراسم به انجام می رسید؟

علامه امینی: انتخاب این مکان برای برگزاری مراسم، انتخاب هوشمندانه و زیرکانه ای بود. اگر مراسم تعیین جانشین در مدینه برگزار می شد، فقط اهل مدینه در مراسم حضور می یافتند؛ در نتیجه خبر آن هم به خوبی به دیگر شهرها و مناطق نمی رسید. در وادی غدیر، مردمی از مناطق گوناگون حضور داشتند که پس از بازگشت به شهر و دیار خود، می توانستند خبر

۱. الصحيح من سيرة الامام علی علیه السلام، ج ۷، ص ۱۴۳.

۲. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۸. ۳. همان، ج ۲۱، ص ۳۸۸.

مراسم را به دیگران برسانند. موضوع رهبری آینده، به همه مسلمانان مربوط می‌شد و باید همه آن‌ها به‌طور دقیق در جریان آن قرار می‌گرفتند. حجاجی که از گوشه و کنار سرزمین اسلامی در غدیر حاضر بودند، خبر این مراسم را به سرعت و البته با دقت تمام در دنیای اسلام پخش کردند. اگر مراسم در مدینه برگزار می‌شد، چنین نتیجه‌ای به‌دست نمی‌آمد. اگر مراسم در شهر مکه نیز برگزار می‌شد، اهمیت لازم را نمی‌یافت. خود مراسم حج مراسم بسیار با شکوهی بود. اگر مراسم دیگری در کنار آن قرار می‌گرفت، چندان به چشم نمی‌آمد؛ خیلی کم‌رنگ می‌شد. توقف یکباره در بیابان سوزان غدیر و برگزاری آن مراسم ویژه، برای مسلمانان خیلی غیر منتظره بود. همین باعث شد که آن مراسم بیشتر مورد توجه قرار گیرد و بهتر در خاطره‌ها بماند. پس از مراسم غدیر، مراسم دیگری هم برگزار نشد که آن را تحت الشعاع قرار دهد. پس از مراسم غدیر، همه به طرف شهر و دیار خود رفتند تا خبر آن را به دیگران برسانند.

گذشته از همه این‌ها، انتخاب در چنین جایی، فرصت توطئه و برنامه‌ریزی را از منافقان می‌گرفت. چند کیلومتر پس از غدیر خم، در سه راهی جحفه همه از هم جدا می‌شدند و هر گروهی به سویی می‌رفت. امکان اینکه منافقان در این انتخاب تردیدی ایجاد کنند و جلوی انتشار خبر آن را بگیرند، دیگر وجود نداشت. تا آن‌ها می‌خواستند کاری بکنند، مسلمانان پراکنده شده بودند و خبر مراسم غدیر، در همه جا پخش شده بود.

(۲۳)

پروسی سنک حکایت خدیو

خبرنگار: جناب استاد! توضیحات جنابعالی علیرغم اختصاری که داشت، تصویر نسبتاً جامعی از واقعه غدیر ارائه کرد. اگر موافق باشید، گفت‌وگویمان را با بحث از سند حدیث غدیر پی بگیریم. شاید یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها درباره حدیث غدیر این باشد که ما از کجا بدانیم که رسول خدا ﷺ واقعاً چنین سخنی را بیان فرموده‌اند؟ با توجه به اینکه چهارده قرن از واقعه غدیر گذشته، چطور اطمینان پیدا کنیم که چنین واقعه‌ای رخ داده و رسول خدا ﷺ آن سخنان را درباره علی گفته‌اند؟ ما در روایات اسلامی، احادیث جعلی و ضعیف هم داریم که دانشمندان مسلمان درباره آن‌ها هم بحث کرده‌اند. آیا احتمال دارد که حدیث غدیر هم ساخته و پرداخته مردم باشد؟

علامه امینی: در دانش حدیث، ما احادیث را به دو دسته تقسیم می‌کنیم. دسته‌ای از احادیث را حدیث واحد و دسته دیگری را حدیث متواتر می‌نامیم. منظور از حدیث واحد، حدیثی است که راویان آن به قدری کم هستند که ما نمی‌توانیم به یقین برسیم که آن را پیامبر ﷺ یا دیگر معصومین گفته باشد. ما درباره این احادیث هرگز به یقین صددرصد نمی‌رسیم؛ اما حدیث متواتر حدیثی است که راویان آن به قدری زیادند که یقین می‌کنیم این حدیث از معصومین به ما رسیده است. اجازه بدهید یک مثال بزنم تا معنی حدیث متواتر بیشتر روشن شود. خیلی از ما به حج نرفته‌ایم و کعبه را هم ندیده‌ایم؛ اما آنقدر افراد گوناگون از وجود کعبه به ما خبر داده‌اند که هیچ‌یک از ما در وجود آن شک نمی‌کنیم. بسیاری از اطلاعات یقینی ما زاینده همین خبرهای متعددی است که از این و آن شنیده‌ایم. این طور نیست که ما در همه احادیثی که به دستمان رسیده، بتوانیم شک کنیم. اگر یک حدیث را ده‌ها نفر از صحابه نقل کردند و در طول قرن‌ها نیز صدها نفر از بزرگان و دانشمندان و مورخان و حدیث‌نویسان به روایت آن پرداختند، آیا می‌توانیم درباره آن شک کنیم؟ من در جلد اول الغدير، نام یکصد و ده نفر از یاران پیامبر ﷺ را که حدیث غدیر را نقل کرده‌اند، آورده‌ام؛ البته در همان جا نیز تذکر داده‌ام که به یقین اگر

می‌توانستم بیشتر تحقیق کنم، به تعداد نام‌های بیشتری دست می‌یافتم.^۱ از نظر کیفیت راویان نیز حدیث غدیر خیلی ممتاز است. شما میان راویان حدیث غدیر کسانی چون جابر بن عبدالله انصاری، انس بن مالک، ابوذر غفاری، امام حسن مجتبی، سلمان فارسی، عباس - عموی پیامبر ﷺ - - عمار یاسر، ام سلمه - همسر پیامبر ﷺ - ام هانی - دختر ابوطالب - و فاطمه - دختر حمزه - را می‌بینید؛^۲ یعنی حدیث غدیر، هم از نظر تعداد راویان و هم از نظر جایگاه و اهمیت روایتگران آن، واقعاً بی‌نظیر است.

در طبقه تابعین یعنی کسانی که پیامبر ﷺ را ندیده‌اند؛ اما یاران پیامبر ﷺ را دیده‌اند هم بنده ۸۴ نفر را پیدا کرده‌ام که به روایت حدیث غدیر پرداخته‌اند. در قرن‌های بعد هم نقل حدیث غدیر و ثبت آن در کتاب‌های مختلف پیوسته ادامه داشته است.

البته ناقلان حدیث در طول تاریخ، بسی بیشتر از کسانی بوده‌اند که امروزه نام‌هایشان در کتاب‌ها موجود است. نام‌هایی که در تاریخ ثبت نشده، به مراتب بیش از نام‌هایی است که اکنون در اختیار ما است؛ در نتیجه، می‌توان حدس زد که فقط در طبقه یاران پیامبر ﷺ و تابعین، صدها و بلکه هزاران نفر حدیث غدیر را نقل کرده‌اند. به این ترتیب ما چطور می‌توانیم درباره حدیث غدیر شک کنیم؟!

گذشته از این اگر کتابسوزی‌هایی که در جنگ‌های گوناگون اتفاق افتاد و کتابخانه‌های بزرگی مثل کتابخانه ری و بغداد را نابود کرد، روی نداده بود، ما امروز اسناد بیشتری از حدیث غدیر در دست داشتیم. با این حال، همین مقدار سند نیز واقعاً حیرت‌آور است.

اگر کسی در واقعه غدیر شک کند، درباره هیچ واقعه دیگری نمی‌تواند به یقین برسد. اگر ما حدیثی را که یکصد و ده صحابی پیامبر و ۸۴ نفر از تابعین نقل کرده‌اند و دانشمندان شیعه و سنی نیز در طول قرن‌ها

۱. موسوعة امام علی، ج ۱، ص ۳۴۰. ۲. دانشنامه امام علی، ج ۸، ص ۲۷۵.

در کتاب‌های خود آورده‌اند، نپذیریم، پس دیگر کدام حدیث را می‌توانیم بپذیریم؟!

خبرنگار: گذشته از جریان کتابسوزی‌ها، یکی از عوامل مخفی ماندن بسیاری از اسناد تاریخی واقعه غدیر این بوده که به‌طور قطع، عده‌ای در پی کتمان فضایل امیر مؤمنان بوده‌اند.

علامه امینی: همین‌طور است. محمد بن جریر طبری، مورخ و مفسر معروف اهل سنت (متوفای ۳۱۰ ه.ق) با اینکه در کتاب تاریخ بزرگ خود، جریان آخرین حج پیامبر ﷺ یعنی حجة الوداع را نقل می‌کند، اما دنباله وقایع را ناگفته می‌گذارد و درباره بازگشت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه خاموش می‌ماند. دلیلش هم روشن است. اگر او می‌خواست ماجرای بازگشت را هم بنویسد، باید واقعه غدیر را هم بیان می‌کرد. با این همه، او پس از مدّت‌ها، به‌عنوان یک حدیث‌نویس و مورخ مسلمان، راضی نمی‌شود که این حقیقت را پنهان کند؛ از همین رو، کتاب مستقلى به نام «الولاية في طرق حديث الغدير» می‌نویسد و اسناد گوناگونی از حدیث غدیر ارائه می‌کند. طبری در این کتاب، حدیث غدیر را از بیش از هفتاد نفر از یاران پیامبر ﷺ روایت می‌کند.^۱

اگر کمی به عقب‌تر برگردیم، می‌بینیم که اساساً پس از غصب حق امیر مؤمنان، حاکمان وقت از انتشار فضایل امام علی ﷺ به شدّت جلوگیری می‌کردند. از زمان ابوبکر، نوشتن احادیث پیامبر ﷺ - که بخش زیادی از آن‌ها در فضیلت امیر مؤمنان بود - ممنوع شد و در نتیجه، بسیاری از این احادیث نانوشته ماند. این ممنوعیت در زمان عمر نیز ادامه یافت و او حتی احادیثی را که صحابه قبلاً نوشته بودند، جمع کرد و همه را آتش زد.^۲ شما می‌توانید حدس بزنید که در این مرحله، چه تعداد از احادیث

۱. حماسه غدیر، ص ۳۲. ۲. معالم المدرستین، ج ۲، ص ۵۰.

مربوط به امام علی ﷺ از بین رفته و چه میزان از اسناد غدیر، به خاکستر تبدیل شده است. این ممنوعیت تا زمان عمر بن عبدالعزیز (حدود نود سال) ادامه داشت. عمر بن عبدالعزیز در سال ۹۹ ه.ق روی کار آمد. او اقدامات خوب و ارزنده‌ای انجام داد. وی از سب و نفرین امام علی ﷺ که بر منابر انجام می‌شد، جلوگیری کرد و فرمان داد که احادیث پیامبر تدوین شود؛ اما عمر بن عبدالعزیز در سال ۱۰۱ با سم، به قتل رسید و احادیثی که در زمان او تدوین یافته بود، به‌طور مشکوکی ناپدید شد.^۱

از این‌ها بدتر اینکه معاویه در زمان حکومت خود، به‌طور ویژه به مبارزه با نشر فضایل علی ﷺ پرداخت و برای کسانی که احادیثی در این باره نقل می‌کردند، مجازات‌های سنگینی در نظر گرفت.^۲ او حتی گروهی را مأمور کرد که به جعل حدیث بر ضد امام بپردازند و برای هر فضیلتی که برای امام نقل شده بود، حدیث مشابهی برای دیگر صحابه بسازند تا فضایل امام ﷺ چندان جلوه نکند.^۳

در دوران بنی‌امیه، نقل فضایل امام خیلی دشوار بود. روزی زُهری - از علمای همان دوران - حدیث غدیر را خواند. شخصی به او گفت: «چرا نمی‌روی این حدیث را در شام بخوانی با اینکه خودت با گوش‌هایت می‌شنوی که چقدر به علی ﷺ دشنام می‌دهند؟» وی در جواب گفت: «به خدا سوگند! من فضیلت‌هایی از علی ﷺ می‌دانم که اگر آن‌ها را بگویم کشته می‌شوم».^۴

وضعیت بسیار سختی بود. اگر کسی می‌خواست از علی ﷺ حرفی بزند، از ترس با عنوان شیخ یا ابوزینب از او یاد می‌کرد.^۵ بر هفتاد هزار منبر، علی ﷺ لعن می‌شد و حتی پایان‌بخش جلسات موعظه نیز سب و لعن

۱. همان، ص ۶۴. ۲. همان، ص ۶۲.

۳. همان، ص ۶۷.

۴. الصحيح من سيرة الامام علي ﷺ، ج ۱، ص ۳۰۷.

۵. الامام الصادق والمذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۳۹۶.

علی علیه السلام بود.^۱ زمانی که صعصعة بن صوحان بر نقل فضایل علی علیه السلام اصرار می ورزید، مغیره بن شعبه - حاکم کوفه - به وی گفت: «ما این فضایل را بهتر از تو می شناسیم؛ اما اکنون معاویه بر ما حاکم است و او ما را وادار ساخته تا نزد مردم از علی علیه السلام عیبجویی کنیم و بر خلاف دانسته های خود اظهار نظر نماییم تا جانمان در امان باشد. شما نیز اگر قصد نقل فضایل علی علیه السلام را دارید به طور سرّی در خانه های خود به نقل این فضایل بپردازید.»^۲ در چنین فضایی چه کسی جرئت می کرد از فضایل علی سخن بگوید. امام باقر علیه السلام در حال سخنرانی بود که مردی از اهل بصره به حضرت گفت: «ای زاده رسول خدا، فدایت شوم! حس بصری می گوید که آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» درباره مردی نازل شده؛ اما نمی گوید که آن مرد کیست؟ حسن بصری از دانشمندان آن روزگار بود. امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر او می خواست، به شما می گفت که این آیه درباره کیست؛ اما او می ترسد.» سپس امام توضیح داد که این آیه در جریان غدیر خم نازل شده و مربوط به آن واقعه مهم است.^۳

این مشکلات، گرچه در آغاز دوره بنی عباس قدری کاهش می یابد، اما در ادامه، عباسیان نیز با نشر فضایل علی علیه السلام به مبارزه برمی خیزند. در دوره متوکل، کسی را که به نقل حدیث درباره امام علیه السلام پرداخت، به هزار تازیانه محکوم کردند و پس از وساطت برخی ها، نهایتاً این مجازات به پانصد تازیانه کاهش یافت.^۴

حالا خودتان قضاوت کنید که اگر این اختناق ها، فشارها، غرض ورزی ها، کینه توزی ها، ترس ها، دلهره ها، تهدیدها و تحریف ها نبود، چه اسناد شگفت انگیزی از واقعه غدیر، در اختیار ما قرار داشت.

خبرنگار: شاید علمای اهل سنت، برای اثبات متواتر بودن حدیث، مبنای دیگری دارند و بر اساس آن مبنا، نتوانند حدیث غدیر را یک حدیث متواتر بشمارند. علامه امینی: برخی از علمای اهل سنت، روایتی را که دوازده نفر از صحابه نقل کنند، متواتر می دانند. سیوطی - عالم بزرگ اهل سنت - حدیثی را که ده سند داشته باشد، متواتر می خواند. برخی دیگر از اهل سنت، روایتی را که هشت نفر از صحابه نقل کنند، متواتر می شمارند. برخی از آنان حتی حدیثی را که چهار یا پنج نفر از صحابه نقل کرده باشند، متواتر می نامند.^۱ حالا آیا حدیثی که توسط ده ها نفر از صحابه نقل شده، نمی توان متواتر دانست.

اگر کسی نخواهد حق را قبول کند، استدلال های ما برای او سودی نخواهد داشت. فخر رازی - که جایگاه ویژه ای نزد اهل سنت دارد - می گوید: «من برای حدیث غدیر، چهارصد سند پیدا کرده ام؛ با این حال دلم نمی تواند این حدیث را بپذیرد.»^۲ ما با چنین شخصی، چگونه می توانیم بحث کنیم. می گوید من به چهارصد سند دست یافته ام؛ ولی نمی خواهم بپذیرم.

ما با حق ستیزی امثال احمد امین مصری، چه باید بکنیم؟ وی می نویسد: «شیعه حدیث غدیر را از براء بن عازب نقل می کند.» او می خواهد به خواننده این طور القا کند اولاً حدیث غدیر را فقط شیعه نقل کرده است، ثانیاً برای این حدیث تنها یک سند وجود دارد و آن هم روایت براء بن عازب است.^۳

خبرنگار: آیا میان دانشمندان اهل سنت نیز کسانی هستند که تواتر حدیث غدیر را قبول داشته باشند؟ یعنی بگویند که اسناد حدیث غدیر به اندازه ای زیاد است که ما هرگز درباره آن شک نمی کنیم؟

۱. الصحيح من سيرة الامام علي عليه السلام، ج ۷، ص ۱۹۳.

۲. همان، ص ۱۸۹.

۳. همان، ص ۱۹۳.

۲. سيرة رسول خدا صلی الله علیه و آله، ص ۷۰.

۴. الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۲۶.

۱. همان، ج ۳، ص ۲۶.

۳. موسوعة امام علي عليه السلام، ج ۱، ص ۵۲۰.

عَلَّامَه امینی: بله، من در جلد اول الغدير، نام ده‌ها نفر از دانشمندان و حدیث‌شناسان اهل سنت را آورده‌ام که همگی به تواتر و قطعیت حدیث غدير گواهی داده‌اند؛ به عنوان مثال، شمس‌الدین ذهبی شافعی می‌نویسد: «این حدیث متواتر است و من یقین دارم که حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» را پیامبر ﷺ فرموده‌اند.» عَلَّامَه ضیاء‌الدین مقبلی نیز درباره تواتر حدیث غدير می‌نویسد: «اگر حدیث غدير مسلم نباشد، پس دیگر هیچ امر مسلمی در اسلام وجود ندارد.» حتی برخی دانشمندان اهل سنت، درباره اثبات تواتر حدیث غدير، کتاب هم نوشته‌اند. شمس‌الدین جزری شافعی، کتابی به نام «اسنی المطالب» دارد که با ذکر هشتاد سند برای حدیث غدير، به اثبات تواتر آن پرداخته است.^۱

خبرنگار: در پایان بحث از سند حدیث غدير، دو - سه سؤال جنبی هست که مایلم پاسخ آن‌ها را نیز از جنابعالی بشنوم. حضرت استاد! آیا از حضرت فاطمه ﷺ هم حدیثی درباره غدير به ما رسیده است؟

عَلَّامَه امینی: آن بانوی بزرگوار یکی از جدی‌ترین مدافعان پیام غدير بود. دختر عزیز پیامبر ﷺ درباره حق خلافت علی ﷺ بارها و بارها با مردم مدینه به گفت‌وگو پرداخت. یکی از محوری‌ترین استدلال‌های حضرت در این گفت‌وگوها، استدلال به حدیث غدير بود. حضرت یک بار خطاب به مسلمانان فرمود: «آیا این سخن پیامبر ﷺ را فراموش کردید که در غدير خم فرمودند: «هرکس من مولای او هستم علی مولای او است.»

وقتی هم که سردمداران سقیفه و غاصبان حق خلافت، جلوی خانه علی ﷺ تجمع کردند تا به زور بیعت بگیرند، حضرت فاطمه ﷺ خطاب به آن‌ها فرمود: «گویا شما نمی‌دانید که رسول خدا ﷺ در غدير خم چه فرموده‌اند؟!»

۱. ترجمه الغدير، ج ۱، ص ۵۰۲.

حضرت فاطمه، در گفت‌وگو با انصار نیز از غدير سخن گفت. حضرت فاطمه ﷺ به انصار اعتراض کرد که چرا در مقابل انحرافی که پیش آمده خاموش مانده‌اید؟ آن‌ها بهانه آوردند که: «ای دختر محمد! اگر پیش از بیعت با ابوبکر این حرف‌ها را شنیده بودیم، با کسی جز علی بیعت نمی‌کردیم.» حضرت در مقابل این بهانه‌جویی‌ها فرمود: «آیا پدرم در غدير خم، برای کسی عذری باقی گذاشت؟!»^۱

خبرنگار: جناب عَلَّامَه! سؤال دیگر این است که چرا حدیث غدير، در صحیح بخاری و صحیح مسلم - که از اصلی‌ترین کتاب‌های اهل سنت هستند - نیامده است؟ عَلَّامَه امینی: اولاً این حدیث در برخی دیگر از کتاب‌های اصلی اهل سنت - مثل سنن ترمذی و سنن ابن‌ماجه - ذکر شده است.^۲ ثانیاً این که احادیث بسیاری هست که در صحیح بخاری و صحیح مسلم نیامده است. به همین خاطر بود که حاکم نیشابوری با نوشتن کتاب «مستدرک الصحیحین» به تکمیل کار آن دو پرداخت.^۳ او در جلد چهارم مستدرک، پس از نقل حدیث غدير می‌نویسد: «این حدیث بر مبنای خود مسلم و بخاری صحیح است که در کتاب‌های خود نیآورده‌اند.» در جلد سوم مستدرک نیز حدیث غدير را نقل می‌کند و باز هم همین نکته را یادآور می‌شود.^۴ البته به جز حاکم نیشابوری، دیگرانی هم بوده‌اند که به جبران نقص صحیح مسلم و صحیح بخاری اقدام کرده‌اند.^۵ ثالثاً هم این که اگر بخاری و مسلم حدیث غدير را که حدیثی متواتر است، نقل نکرده‌اند، این ایراد به خود آن‌ها برمی‌گردد و دلیلی بر ضعف حدیث غدير شمرده نمی‌شود.

البته بنده از جانب بخاری که از عکرمه دروغگو و عمران بن حطان - ستایشگر قاتل امام علی ﷺ - نقل حدیث می‌کند، اما از امام حسن مجتبی

۱. موسوعه امام علی ﷺ، ج ۱، ص ۵۷۲. ۲. الصحیح من سیره الامام علی ﷺ، ج ۷، ص ۱۹۳. ۳. همان. ۴. موسوعه امام علی ﷺ، ج ۱، ص ۳۴۱. ۵. الصحیح من سیره الامام علی ﷺ، ج ۷، ص ۱۹۴: اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۳۱۳.

- نوّه پیامبر ﷺ - و از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام نقل حدیث نمی‌کند و از امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام - که با وی معاصر بوده‌اند - به نقل حدیث نمی‌پردازد و حدیث بسیاری دیگر از برجستگان خاندان پیامبر ﷺ را نادیده می‌گیرد، توقعی ندارم.^۱ اگر بخاری با این همه غرض ورزی، حدیث غدیر را نقل نکرده، جای تعجب ندارد. در صحیح مسلم و صحیح بخاری، بسیاری از فضایل مسلم و قطعی اهل بیت علیهم السلام ذکر نمی‌شود. مثلاً «انا مدینه العلم و علی بابها» که مورد قبول شیعه و سنی است، در آن دو کتاب نیامده است؛ با این حال خیلی راحت جناب بخاری به ستایش از معاویه - دشمن امام علی علیه السلام - می‌پردازد و در یک جا از زبان ابن عباس، او را به مصاحبت پیامبر ﷺ می‌ستاید و در حدیث دیگری باز هم از زبان ابن عباس، از معاویه به عنوان فقیه و عالم یاد می‌کند.^۲

این را هم بگویم که در صحیح مسلم، نقل ناقصی از ماجرای غدیر وجود دارد. او به نقل از زید بن ارفع می‌نویسد: رسول خدا ﷺ، روزی در سرزمینی میان مکه و مدینه که «خم» نامیده می‌شود، برخاست و خطابه‌ای ایراد فرمود و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «ای مردم! من هم مانند شما بشر هستم و ممکن است پیک مرگ به سراغم بیاید و مرگ مرا فراگیرد، اینک میان شما دو امانت سنگین به یادگار می‌گذارم؛ اوّل کتاب خدا که هدایت‌کننده افکار انسان‌ها و روشن‌کننده راه سعادت بشر است. و دیگری خاندان من است.» می‌بینید که در این دو امانت بزرگ سخنان صریح پیامبر ﷺ درباره خلافت امام علی خبری نیست.^۳

((۶۹))

تأملاتی در معنای حدیث غدیر

۱. اضواء علی السنّة المحمدیه، ص ۳۱۱-۳۱۲. ۲. سیری در صحیحین، ص ۸۶-۸۷.
۳. همان، ص ۳۱۰.

خبرنگار: حضرت تعالی نکات ارزشمندی دربارهٔ سند حدیث غدیر بیان فرمودید. خیلی خیلی سپاسگزارم که با حوصلهٔ تمام، اطلاعات خودتان را در اختیار بنده و خوانندگان این مصاحبه قرار دادید. می‌دانم که جوانان عزیزی که این مصاحبه را می‌خوانند، از توضیحات شما بهره‌فراوانی می‌برند.

جناب استاد! پس از بحث از سند حدیث غدیر، به بحث دربارهٔ معنای این حدیث می‌رسیم. یکی از اشکالاتی که به حدیث غدیر می‌کنند این است که می‌گویند معلوم نیست کلمهٔ مولا در حدیث غدیر، به معنی رهبر و سرپرست باشد. می‌گویند این کلمه معانی گوناگونی دارد؛ مثلاً یکی از معانی کلمهٔ مولا، دوست است. شاید پیامبر ﷺ خواسته‌اند بفهمانند هرکسی که من دوست او هستم، باید علی را هم دوست بدارد. در این صورت ماجرای غدیر، هیچ ربطی به موضوع رهبری امت اسلامی و تعیین جانشین پیامبر ﷺ نخواهد داشت.

علامه امینی: درست است که «مولا» معانی گوناگونی دارد، اما باید دید که این کلمه، در حدیث غدیر به چه معنایی به کار رفته است. یکی از معانی مولا برده است؛ ولی آیا می‌توانیم بپذیریم که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «هر کسی که من بردهٔ او هستم، علی هم بردهٔ او است.» یکی دیگر از معانی کلمهٔ مولا، عمو است؛ ولی آیا کسی احتمال می‌دهد که پیامبر ﷺ فرموده باشند: «هرکس من عموی او هستم، علی هم عموی او است.» به هر حال، گرچه مولا دارای معانی مختلفی است، ولی بی‌تردید، معنای مورد نظر پیامبر ﷺ در حدیث غدیر، رهبر و سرپرست بوده است.

احتمال اینکه کلمهٔ مولا در این حدیث، به معنی دوست هم باشد، وجود ندارد. شما ببینید مردمی که در مراسم غدیر حضور دارند، پس از سخنرانی پیامبر ﷺ می‌آیند و با علی را، به عنوان رهبر آینده بیعت می‌کنند. خود خلیفهٔ دوم می‌آید و انتخاب علی را به او تبریک می‌گوید. اصلاً آیا می‌توان پذیرفت که پیامبر ﷺ مردم را در آن صحرای گرم و سوزان جمع کنند و بگویند علی هم مثل من باید دوست شما باشد؟! به جز انتخاب

جانشین آیندهٔ پیامبر ﷺ چه موضوعی اینقدر مهم بوده که به خاطر آن، مردم باید در آن گرما توقف کنند و بازگشت به وطن خود را به تأخیر بیندازند؟ از این‌ها گذشته، پیامبر ﷺ در همان سخنرانی عباراتی را به کار گرفته‌اند که معلوم می‌شود به دنبال تعیین جانشین بوده‌اند. حضرت در آغاز سخنرانی خود فرمودند: «به زودی من از میان شما خواهم رفت»؛ یعنی پیامبر ﷺ نگران روزگار پس از خود بودند. رسول خدا ﷺ می‌خواستند برای دوران پس از خود، مشکل امت را حل کنند و امت را از بی‌سرو سامانی در امان بدارند. اگر منظور از کلمهٔ «مولا» دوست بود، به چه دلیل پیامبر ﷺ در ابتدا فرمودند که «من به زودی از میان شما خواهم رفت.» دوست بودن با علی را چه ربطی به این جمله دارد؟ پیامبر ﷺ، چه زود از دنیا می‌رفتند و چه دیر، دوستی با علی را، نیک و پسندیده بود.

کسانی که کلمهٔ «مولا» را به معنی دوست می‌گیرند، نمی‌دانند که این حرفشان چه تبعاتی دارد. اگر کسی خودش را در فضای واقعهٔ غدیر قرار دهد، هرگز به ذهنش نمی‌رسد که منظور پیامبر ﷺ از کلمهٔ مولا، دوست بوده است؛ بلکه تنها معنایی که در ذهنش متبادر می‌شود، رهبر و سرپرست است.

پس از سخنرانی پیامبر ﷺ در غدیر خم، حسان بن ثابت - که شاعر توانمندی بوده - از حضرت اجازه می‌خواهد که دربارهٔ آن مراسم شعری بسراید و برای حاضران بخواند. اگر کسی این شعر را مرور کند، می‌بیند که تلقی شرکت‌کنندگان در مراسم غدیر نیز از سخنان پیامبر ﷺ، تعیین رهبر آینده بود و نه معرفی یک دوست خوب. حسان در یکی از اشعارش می‌گوید:

فَمَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيِّهُ فَكُونُوا لَهُ أَتْبَاعَ صِدْقٍ مُّوَالِيًّا
هرکس من مولای او هستم، علی هم مولای او است؛ پس شما پیروان راستینی برای او باشید.